

۱۸۵۲۸۹۷

احدیای علوم سیاسی

www.ketab.ir

سرشناسه: بشیریه، حسین. ۳۳۱ - Bashiriyeh, Hossein
عنوان و نام پدیدآور: احیای علوم سیاسی: گفتار: در ریشه سیاستگری / حسین بشیریه.
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۶.
نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: 978-964-185-556-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۴۹؛ نمایه.
عنوان دیگر: گفتاری در پیشه سیاستگری.
موضوع: علوم سیاسی Political Science؛ علوم سیاسی - تاریخ
Political Science - History
رده‌بندی کنگره: JAV1 / ۳ الف ۵ ب / ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۸۲۴۷۷

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



نشر

احیای و احیای
گفتاری در پیشه حسگر
حسین بشیریه

نمایه‌ساز فرژانه طاهری
چاپ اول تهران، ۱۳۹۶
تعداد ۱۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی باختر
چاپ جباری
صحافی خلیج فارس

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹ ۵۵۶ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashrenay.com

فهرست مطالب

.....	دیباچه	۱۱
-------	--------	----

فصل نخست

تحول حکمت سیاسی در فرایند تاریخ

.....	۱. مبانی حکمت سیاسی دیرین: افلاطون، ارسطو، سقراط	۱۹
.....	۲. تعبیر دینی حکمت سیاسی دیرین: فارابی و ابن سینا	۳۱
.....	۳. واژگون‌سازی حکمت سیاسی دیرین: ماکیاوینی و نابز	۳۸
.....	۴. بازسازی نسبی حکمت سیاسی دیرین: لاک، روسو، دانتون	۴۶
.....	جان لاک	۴۶
.....	ژان ژاک روسو	۴۹
.....	جان دیویی	۵۵

فصل دوم

علم سیاست اثباتی

.....	۱. جدایی علم سیاست از سیاست	۶۱
.....	کارل دوویچ	۶۸

- ۷۱ دیوید ایستون
- ۷۸ ۲. زوال علم سیاست اثباتی و دوران پراکندگی

گفتار سوم

به سوی احیای دانش سیاست

- ۸۹ ۱. زمینه‌های فکری احیاء
- ۹۶ هارولد لاسول
- ۹۷ یورگن هابرماس
- ۱۰۳ اسدیره آ. ینتایر
- ۱۱۵ ۲. امور سیاسی و سیاست‌گری
- ۱۱۶ مسئله برتری نظام سیاسی
- ۱۲۴ دولت رفاه گسترده
- ۱۳۰ اقتصاد سیاسی و توسعه اقتصادی
- ۱۳۸ توسعه سیاسی
- ۱۴۵ پایان سخن
- ۱۴۹ کتاب‌شناسی
- ۱۵۳ نمایه

دیباچه

هدف از نگارش این کتاب شرح و نقد جایگاه دانش سیاست و سیر دگرگونی‌های آن در گذار رین است. بهتر است برای روشن کردن مطلب، گفتار را با اشاره‌ای به تحولات تحصیلی و آموزشی و پژوهشی خود در طی چهل و چند سال گذشته آغاز کنم. این اشاره بیشتر برای شرح و بیان احساس ناکامی‌های نگارنده نسبت به سرشت و محتوای علوم سیاسی صورت می‌گیرد اما هدف از آن، آماده کردن زمینه برای کوشش در راه بهسازی و احیاء این علوم است. در آغاز دهه ۱۳۵۰ تحصیل در علوم سیاسی را آغاز کردم. دانشجویی جوان در علاقه‌مند بودم و انتظارم از رشته علوم سیاسی این بود که هم دانش سرسبز و مستقل و سامان‌مندی درباره عرصه سیاست و پدیده‌های سیاسی به دست دهد و هم این‌که، پس از دستیابی به آن دانش و فراغت از تحصیل، نیاز مبرمی به وجود دانش آموختگانی چون نگارنده در جامعه احساس شود.

فکر می‌کردم دانشجویان در هر رشته‌ای درس‌هایی می‌خوانند تا نیازی را برآورده کنند یا مشکلاتی را در سطح فرد یا جامعه بگشایند و در نتیجه به کاری بیایند. هدف نهایی از تحصیل در رشته حقوق تربیت قاضی و وکیل است، غایت اصلی مطالعات در رشته پزشکی تربیت پزشک برای درمان دردهاست، و هدف رشته مهندسی تولید کارشناس برای ساخت و ساز است. بنابراین، هر علم و دانشی باید هدف و غایتی داشته باشد و نیازی را برآورده کند. پرسش نگارنده این بود که این غایت و نهایت و هدف فراگیری دانش سیاست چیست؟ ما می‌رسیم که چون خود سیاست با عمل و تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی سروکار دارد پس دانش سیاست هم باید تا آنجا که ممکن است به همان هدف باشد. شاید هدف برخی رشته‌ها مثل فلسفه یا تاریخ فقط ارضاء حس کنجکاوی آدمی باشد اما به نظر نمی‌رسد که دانش سیاست فقط در پی ارضای چنان نیاز و حسی باشد و صرفاً بجز ارائه توضیحاتی درباره پدیده‌ها بدهد. تصور این بود که دانش سیاست بر خلاف فلسفه و تاریخ و فیزیک و همانند پزشکی و مهندسی، صرفاً باید در پی توضیح امور و پدیده‌ها باشد بلکه غایت و هدفش باید از جنس همان غایت و هدف خود سیاست باشد و بکوشد تا آگاهی لازم از آن غایب و پنهان را برسد به آن‌ها را بیاموزد. در آن صورت، دانش آموختگان علوم سیاسی هم مانند حقوقدانان و پزشکان و مهندسان، صاحب مهارت‌ها و قابلیت‌های عملی و ویژه‌ای می‌شدند و به درد جامعه و حکومت هم می‌خوردند؛ به ویژه چون در بیشتر زمان‌ها و مکان‌ها سیاست‌مداران و دولتمردان از جمله دانش آموختگان سیاست نبوده و نیستند.

توقعی که از علوم سیاسی داشتم از این دست بود هر چند امکان بیان آن به روشنی و وضوحی که در بالا آمد، طبعاً در آن زمان میسر نبود. در مقایسه با آن انتظار و توقع، در عمل با گذراندن هر درسی و با گذشت هر نیم سالی بر نومییدی و سرخوردگی نگارنده افزوده می شد. اول تصور این بود که به تدریج ساختمان نظری دانش سیاست نمایان خواهد شد و پس از آن مهارت های عملی مورد انتظار از راه خواهد رسید. با این حال، در عمل مجموعه ای ناموزون از درس های پراکنده و کم ارتباط عرضه شد که خصلت حقوقی و تاریخی و فلسفی، داشتند و دید هراتک به طور جداگانه به حقوقی اندیشیدن یا تاریخی فکر کردن و فلسفی اندیشیدن یاری می رساند ولی هیچ یک جداگانه یا در مجموع به سیاسی اندیشیدن به معنایی که نگارنده انتظار داشت نمی انجامید، و البته بدون پرورش دادن شیوه سیاسی اندیشیدن، خبری از دستیابی به مهارت های نامبرده هم نمی توانست در کار باشد.

بدین سان به نظر می رسید که رشته علوم سیاسی چیزی جز مجموعه ای از لاشه هایی که از رشته های دیگر، به ویژه تاریخ و حقوق، گرفته شده بودند چیزی در بر نداشته باشد. نه تنها نگارنده از درس اندیشه سیاسی، برای نمونه، این بود که در آن شیوه اندیشیدن به سبک سیاسی (مثل شیوه اندیشیدن به سبک منطقی) آموزش داده شود اما طبعاً آن درس چیزی جز تاریخ اندیشه های دیگران نبود. دست کم این که در آن زمان گمان نمی کردم که این همه انتظاری بیش از حد و توقعی بی جا باشد. احساسی که به طوری مبهم پس از فراغت از تحصیل داشتم احساس بطالت و به هدر رفتن بهترین سال های

جوانی بود. نه شناختی از مهم‌ترین حوزه زندگی اجتماعی انسان، یعنی سیاست، نصیب شده بود و نه مهارت‌هایی که مورد نیاز دیگران باشد به دست آمده بود.

با این همه، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم. سال‌های تحصیل در آن کشور هم‌زمان بود با گسترش دامنه علم سیاست اثباتی، یا مکتب رفتارشناسی در سیاست، در باخترزمین. در طی آن سال‌ها این مکتب با تأکید بر روش علمی به تدریج ذهن نگارنده را از دانش مبتدیان سیاسی که پیش‌تر پایمال نگرش‌های تاریخی و حقوقی سد بود، به سوی نگرش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی رفتاری و اثباتی گشود، و به شیوه دیگری، از حوزه سیاسی اندیشیدن و حوزه سیاست، به معنای دستیابی به غایات با کاربرد وسایل، دور کرد و به جای حرکت در جهت کسب مهارت‌های مورد انتظار از دانش سیاسی، به سوی مهارت‌های علمی در توضیح و تبیین پدیده‌ها سوق داد. باز هم از مهارت‌های سیاسی که قاعدتاً می‌بایست، بر طبق پندار نگارنده، احساس نیاز به دانش‌آموختگان علوم سیاسی را در جامعه و حکومت ایران خنثی کرد. علم سیاست جدید و اثباتی و رفتاری در نهایت به سیاست‌زدایی از دانش سیاسی می‌انجامید و من هم دستخوش همان موج خردانان بودم.

پس از بازگشت به ایران شیوه علم سیاست اثباتی و رفتاری را در طی دو دهه در کارهای آموزشی و پژوهشی خود، فارغ از دغدغه‌های سیاسی و عملی، به کار بردم اما به تدریج به مشکل اصلی این نوع علم سیاست که همان جدایی علم سیاست از سیاست بود، به ویژه تحت تأثیر مسائل و دغدغه‌های سیاسی در ایران، پی بردم و سرانجام

کوشیدم با نگارش کتاب‌هایی که از حدود علم سیاست اثباتی فراتر می‌رفت و به آنچه اکنون سیاست‌گری می‌نامم نزدیک می‌شده، تا حدی رسالت دیرین سیاست به منزله حکمت عملی را احیاء کنم و بار دیگر پندارهای دوره جوانی را، درباره ضرورت سیاسی اندیشیدن در دانش سیاسی (در مقابل علمی اندیشیدن یا تاریخی اندیشیدن و یا جامعه‌شناسانه اندیشیدن) و اهمیت دستیابی به مهارت‌های سیاسی (نه علمی) و پرورش سیاست‌گران به منزله حاصل آموزش علوم سیاسی، در سر بپرورم. اینک در نظر دارم در این کتاب، در ضمن مروری بر تاریخ دانش سیاسی، این تأملات را گردآوری کنم و سازمان دهم.

این کتاب حاوی سه گفتار است. در گفتار نخست، حکمت سیاسی دیرین پیش از پیدایش علم سیاست اثباتی در سده بیستم را توضیح می‌دهیم و به ضرورت احیاء برخی از عناصر آن برای دفاع از مقوله سیاست‌گری اشاره می‌کنیم. در همان گفتار، اشکال تحول حکمت سیاسی کهن را نیز بررسی می‌کنیم. تغییر دینی حکمت کهن، واژگون‌سازی، و بازسازی نسبی آن، سه شکل اصلی تحول حکمت سیاسی کهن بودند. گفتار دوم درباره گرایش علم سیاست اثباتی جدیدی است که، در سده بیستم، نخست در باختر زمین و سپس در بقیه جهان استیلا پیدا کرد. در آن گفتار، اندیشه‌های دانش از نمایندگان بزرگ اثبات‌گرایی در دانش سیاسی را بررسی می‌کنیم و سپس نقدهای عمده بر علم سیاست اثباتی و زمینه‌های زوال نسبی آن را توضیح می‌دهیم. در گفتار سوم، نخست زمینه‌های گرایش به احیای دانش سیاست را با مروری بر کوشش‌های فکری سه

اندیشمند برای احیا و بازسازی برخی از عناصر حکمت سیاسی دیرین توضیح می‌دهیم و سپس محتوا و آموزه‌های دانش سیاست‌گری یا علم سیاست تجویزی را بررسی می‌کنیم. همین‌جا باید خاطر نشان سازم که این کتاب مبتنی بر ذهنیات و تأملات و برداشت‌های خود نگارنده است و تحقیق و پژوهش به معنای مرسوم نیست.

www.ketab.ir